



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قبلا عرض کردیم که مثلی آن است که در آن قیمت متعلق به کلی است و به آن برمی گردد و آن کلی دارای افرادی است که باهم مساوی می باشند مثل گندم و جو که اصناف مختلفی دارند و یا مثل هر مکیل و موزونی، و گفتیم که هرکجا که قیمت به اشخاصی برگردد که باهم فرق دارند مثل انگشتر و فرش و حیوان و عبد و کنیز و... این می شود قیمی که البته امروزه با پیشرفت علم و صنعت و بوجود آمدن کارخانه های بزرگ، مثلی زیاد شده و خیلی از چیزهایی که قبلا قیمی بوده اند الان مثلی شده اند.

عرض کردیم که مال چند رتبه و هویت دارد: (۱) شخصیه، (۲) نوعیه، (۳) صنفیه و (۴) مالیه (در مثلی مثل و در قیمی قیمت)، با توجه به این مطالب شیخ انصاری (ره) در امر سادس می فرماید: «السادس لو تعذر المثل فی المثلی، فمقتضى القاعدة وجوب دفع القيمة مع مطالبة المالك».

چند مطلب در اینجا وجود دارد:

اول اینکه انتقال مثل به قیمت إذا تعذر به چه دلیل می باشد؟

دوم اینکه بعد از انتقال مثل به قیمت، قیمت چه وقتی میزان می باشد؟

درباره مطلب دوم (میزان در قیمت) احتمالات و اقوال مختلفی ذکر شده که ما با توفیق پروردگار برای اینکه تصور صحیحی از اقوال مذکور و مبانی آنها داشته باشیم

امروز سعی می کنیم که تمام آن اقوال را یک به یک بیان کنیم.

سید فقیه یزدی در ص ۴۸۰ از جلد اول حاشیه ای که بر مکاسب دارد در حاشیه شماره ۷۵۴ تمام احتمالات و اقوال مذکور در این مسئله را که جمعا ۱۵ قول می شود بیان کرده، کلام سید این است: «فی زمان اعتبار القيمة وجوه و احتمالات و بعضها أقوال (أحدها): أن المدار على القيمة يوم الدفع و هو الموافق للتحقیق من كون المثل بل العين فی الذمة إلى ذلك الزمان، (الثانی): كون المناط قيمة يوم المطالبة و هو مبني على القول بانقلاب المثل إليها حينه، (الثالث): قيمة يوم التعذر بناء على انقلابه إليها فی ذلك الوقت فإنه وقت تلف المثل، (الرابع): قيمة يوم تلف العين و الوجه فيه دعوى كون التعذر موجبا لانقلاب العين إليها و صيرورتها قيمية و كون المدار فی القيميات على زمان التلف، (الخامس): قيمة يوم القبض على البناء المذكور مع القول بكون المدار فی القيميات على يوم الغصب، (السادس): أعلى القيم من يوم القبض إلى يوم الدفع و هو مبني على القول ببقاء العين أو المثل فی الذمة إلى حال الأداء مع القول باعتبار أعلى القيم فی باب الضمان، (السابع): الأعلى من يوم القبض إلى يوم المطالبة بناء على انقلاب القدر المشترك بين العين و المثل إلى القيمة حينها مع القول بالأعلى، (الثامن): الأعلى منه إلى يوم التعذر بناء على الانقلاب المذكور حينه، (العاشر): الأعلى منه إلى يوم تلف العين بناء على انقلاب العين إلى القيمة لا المثل و لا القدر المشترك، (التاسع): الأعلى من يوم تلف العين إلى

اگر نتوانست هویت نوعیّه و صنفیّه و اگر نتوانست هویت مالیّه را باید بپردازد) .
 حضرت امام (ره) در ص ۵۴۱ از جلد اول کتاب بیعشان و آیت الله خوئی در ص ۴۴۰ از جلد ۲ مصباح الفقاهة و سید فقیه یزدی همانطور که عرض شد در ص ۴۸۰ از جلد اول حاشیه ای که بر مکاسب دارد در حاشیه شماره ۷۵۴ و محقق نائینی در ص ۳۰۷ از جلد اول منیه الطالب و صاحب جواهر در ص ۹۴ تا ص ۹۶ از جلد ۳۷ جواهر ۴۳ جلدی مطالبی را در این رابطه (اقوال مذکور و دلیل آنها) بیان کرده اند که مطالعه کنید تا ان شاء الله فردا بحث را ادامه بدهیم ...

والحمد لله رب العالمین و صلّی الله علی
 محمد آله الطاهیرین

یوم الدّفْع و هو مبني علی اعتبار أعلى القيم فی باب الضّمان مع القول بأنّ المثل یبقی فی الذّمة إلی حال الأداء فإنّ أوّل وقت ضمان المثل زمان تلف العین فهو بمنزلة یوم الغصب بالنسبة إلی نفس العین فی القیمیّات ، (الحادی عشر) : الأعلى منه إلی یوم المطالبة بناء علی الوجه المذكور لکن مع القول بانقلاب المثل إلی القيمة فی ذلك الیوم ، (الثانی عشر) : الأعلى منه إلی یوم التّعذّر علی البناء المذكورة مع القول بانقلابه إلیها حینه ، (الثالث عشر) : الأعلى من یوم التّعذّر إلی یوم الدّفْع و لا وجه له إذ المثل ثابت فی الذّمة قبل ذلك الیوم فلا وجه لاعتبار الأعلى بعد زمان الثبوت بل اللازم اعتباره من حین ثبوته و هو یوم تلف العین أو قبله ، (الرّابع عشر) : الأعلى منه إلی یوم المطالبة و لا وجه له ایضا ، (الخامس عشر) : الأعلى من یوم المطالبة إلی یوم الدّفْع .

خوب و اما اولین بحثی که در اینجا وجود دارد این است که دلیل اقوال ۱۵ گانه مذکور چیست؟ شیخ انصاری (ره) در این رابطه می فرماید : « السادس لو تعذّر المثل فی المثلی ، فمقتضى القاعدة (بعد از فوت هویت شخصیه و صنفیّه) و جوب دفع القيمة مع مطالبة المالك ؛ لأنّ منع المالك ظلم ، و إلزام الضامن بالمثل منفیّ بالتّعذّر ، فوجب القيمة؛ جمعاً بین الحقیقین (حق مطالبه مالک و حق ضامن که متعذّر از أداء مثلی می باشد) .

مضافاً إلی قوله تعالی : (فَأَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَیْكُمْ) فإنّ الضامن إذا أُلزم بالقيمة مع تعذّر المثل لم یعتد علیه أزید ممّا اعتدى (یعنی اول هویت شخصیه و